

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۰۴۵۸



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق بین الملل

ایجاد پایگاه‌های نظامی از دیدگاه حقوق بین‌الملل

توسط:

مصطفی نامدار پوربنگر

استاد راهنما: جناب آقای دکتر تدینی

شهریور ۱۳۸۶

وزارت اطلاعات ایران
توسعه و آموزش

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲

۱۰۴۵۳۱

به نام خدا

ایجاد پایگاه های نظامی از دیدگاه حقوق بین الملل

بوسیله ی:

مصطفی نامدار پوربنگر

پایان نامه

ارائه شده دانشکده تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

حقوق بین الملل

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر عباس تدینی، دانشیار بخش حقوق عمومی و بین الملل (رئیس کمیته).....

دکتر فرهاد طلایی، دانشیار بخش حقوق عمومی و بین الملل.....

دکتر نادر مردانی، دانشیار بخش حقوق عمومی و بین الملل.....

شهریور ۱۳۸۶

این پایان نامه

تقدیم به :

پدر و مادر عزیزم،

با آرزوی این که بتوانم زحمات فراوانشان را جبران کنم.

و

همسر عزیزم،

بخاطر سخاوت هایش.

با سپاس از:

جناب آقای دکتر تدینی به دلیل زحماتی که در تهیه منابع و راهنمایی ها و مشاوره های لازم متقبل گشتند،

و

جناب آقای دکتر طلایی به دلیل مشاورات مفیدی که ارائه فرمودند،

و

جناب آقای دکتر مردانی به دلیل راهنمایی های مفید و ضروری جهت تکمیل پایان نامه

و

خانم سمیرا زنگنه ممتاز به دلیل زحماتی که در ویرایش فنی پایان نامه متقبل شدند.

چکیده

ایجاد پایگاه های نظامی از دیدگاه حقوق بین الملل

به وسیله:

مصطفی نامدار پور بنگر

یکی از موضوعات مطرح در روابط بین الملل و حقوق بین الملل، استقرار پایگاه های نظامی خارجی، از سوی دولت ها (عموما دولت های قدرتمند) می باشد. بر این جنبه از روابط بین الملل، همانند دیگر، جنبه ها، علی القاعده باید اصول و قواعدی حاکم باشد. در حال حاضر متاسفانه کنوانسیون یا سند عام بین المللی که مختص موضوع ایجاد پایگاه های نظامی خارجی باشد، وجود ندارد. بنابراین باید اصول و قواعد حاکم بر این روابط را از مجموع منابع حقوق بین الملل (معاهدات، عرف و رویه قضایی) دریافت.

هدف از انجام پایان نامه حاضر، اینست که با بررسی منابع حقوق بین الملل، بتوانیم اصول و قواعدی که در زمینه استقرار پایگاه های نظامی، کاربرد دارند را استخراج نماییم. بدین ترتیب، در بخش اول، اصول و قواعد مرتبط را مطرح ساخته ایم. به گونه ای که در فصل اول، به استقرار پایگاه های نظامی و اصل لزوم رعایت حاکمیت دولت ها، می پردازد. در فصل دوم، ارزیابی تطابق استقرار پایگاه های نظامی با اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل، مدنظر می باشد. فصل سوم از بخش اول، به بررسی اصل آزادی اراده دولت ها، در رابطه با استقرار پایگاه های نظامی می پردازد.

همچنین این که با بررسی موردی ایجاد پایگاه های نظامی خارجی، میزان تطابق این عملکردها را با حقوق بین الملل، دریابیم. در بخش دوم، از میان موارد متعدد استقرار پایگاه های نظامی خارجی، سه مورد را در طی سه فصل مورد بررسی قرار گرفته است. بدین ترتیب، در فصل اول، موضوع برپایی پایگاه های نظامی در عراق، پس از تهاجم ایالات متحده، از لحاظ تطابق این عملکرد با اصول و قواعد حقوق بین الملل، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل دوم، از این بخش، همین بررسی در رابطه با پایگاه های نظامی در گرجستان، انجام شده است. فصل سوم، نیز، به بررسی چگونگی استقرار پایگاه های ایالات متحده در دیگوگارسیا، و میزان انطباق آن با اصول و قواعد مرتبط، می پردازد.

در نتیجه مطالعات مذکور، چنین نتیجه گیری شده است که ایجاد پایگاه های نظامی، می تواند، مجاز شمرده شود، لکن برای ایجاد پایگاه های نظامی، رعایت قواعدی الزامی می باشد. بنابراین، پس از بررسی اسناد حقوقی، عرف بین المللی و نیز رویه قضایی بین المللی، اصول و قواعدی که باید برای استقرار پایگاه نظامی خارجی، به کار گرفته شوند، استخراج شده اند که در قسمت نتیجه گیری نهایی به طور خلاصه، بیان شده اند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	بخش اول: اصول و قواعد حقوق بین الملل حاکم بر ایجاد پایگاه های نظامی
۳	مقدمه بخش اول:
	فصل اول: اصل لزوم رعایت حاکمیت دولت ها و ایجاد پایگاه های نظامی
۳	مقدمه
	مبحث اول: بررسی خدشه پذیری حاکمیت دولت ها و ایجاد پایگاه های نظامی
۷	در اسناد حقوقی بین المللی
۷	گفتار اول: منشور و عملکرد سازمان ملل متحد
	گفتار دوم: اعلامیه عدم پذیرش مداخله در امور داخلی دولت ها و حمایت
۱۰	از استقلال و حاکمیت دولت ها
۱۶	گفتار سوم: قطعنامه مجمع عمومی با عنوان تعریف تجاوز
۱۸	گفتار چهارم: منشور سازمان کشورهای آمریکایی
	گفتار پنجم: تحلیل مسأله ایجاد پایگاه ها و رعایت حاکمیت دولت ها در
۱۹	پرتو اسناد حقوقی بین المللی
	مبحث دوم: ارزیابی خدشه پذیری حاکمیت دولت ها در اثر ایجاد پایگاه های نظامی
۲۴	در حقوق بین الملل عرفی و رویه قضایی
۳۲	نتیجه گیری فصل
	فصل دوم: اصل عدم مداخله و ایجاد پایگاه های نظامی
۳۴	مقدمه
	مبحث اول: ایجاد پایگاه های نظامی و اصل عدم مداخله در اسناد حقوقی بین المللی
۳۵	گفتار اول: وضعیت حقوقی عدم مداخله پیش از منشور
۳۹	گفتار دوم: منشور و عملکرد سازمان ملل متحد
	گفتار سوم: اعلامیه "عدم پذیرش مداخله در امور داخلی دولت ها و حمایت
۴۲	از استقلال و حاکمیت دولت ها (۱۹۶۵) (۱۹۷۴)
۴۸	گفتار چهارم: عدم مداخله و قطعنامه تعریف تجاوز (۳۳۱۴)
	مبحث دوم: ایجاد پایگاه های نظامی و اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل
۵۹	عرفی و رویه قضایی
	فصل سوم: اصل رضایت دولت ها در انعقاد معاهدات و ایجاد پایگاه های نظامی
۶۱	مقدمه
	مبحث اول: ایجاد پایگاه های نظامی خارجی و اصل رضایت دولت ها در انعقاد معاهدات

۶۲	در اسناد حقوقی بین المللی
۶۲	گفتار اول: لزوم رضایت برای انعقاد معاهدات بین المللی در منشور ملل متحد
۶۳	گفتار دوم: لزوم رضایت برای انعقاد معاهدات در کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ ..
	مبحث دوم: ایجاد پایگاه های نظامی خارجی و اصل رضایت برای انعقاد معاهدات
۶۹	در حقوق بین الملل عرفی
۷۰	نتیجه گیری
	بخش دوم: موارد عملی ایجاد پایگاه های نظامی و تطابق آن ها با حقوق بین الملل
۷۰	مقدمه بخش دوم:
	فصل اول: ایجاد پایگاه های نظامی در عراق و تطابق آن با حقوق بین الملل
۷۷	مقدمه
	مبحث اول: چگونگی حضور نظامی در عراق و ایجاد پایگاه های
۷۸	نظامی در عراق
۸۰	مبحث دوم: پایگاه های نظامی ایالات متحده
۸۷	نتیجه گیری
	فصل دوم: ایجاد پایگاه های نظامی در گرجستان و تطابق آن ها با حقوق بین الملل
۹۰	مقدمه
۹۱	مبحث اول: چگونگی حضور پایگاه های نظامی در گرجستان
۱۰۲	مبحث دوم: تحلیل حقوقی وضعیت کنونی پایگاه های نظامی در گرجستان
۱۰۴	نتیجه گیری
	فصل سوم: ایجاد پایگاه های نظامی در دیگوگارسیا و تطابق آن با حقوق بین الملل
۱۰۶	مقدمه
۱۰۷	مبحث اول: چگونگی استقرار پایگاه نظامی در دیگوگارسیا
	مبحث دوم: ایجاد پایگاه نظامی در دیگوگارسیا و اصل لزوم رعایت حاکمیت
۱۰۸	و عدم مداخله
۱۱۲	نتیجه گیری
۱۱۳	نتیجه گیری نهایی
	فهرست منابع و مراجع

مقدمه تحقیق:

یکی از موضوعات حساس در روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل روابط مربوط به مسائل امنیتی و دفاعی مشترک میان دولت‌هاست. در میان این چنین روابطی، یک موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است که مسأله استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی از سوی برخی دولت‌ها، در قلمرو دولت‌های دیگر می‌باشد. استقرار پایگاه‌های نظامی، ممکن است با اصول و قواعدی که در حقوق بین‌الملل، توسعه یافته‌اند، همچون اصول لزوم رعایت حاکمیت دولت‌ها، عدم مداخله و آزادی دولت‌ها در انعقاد معاهدات بین‌المللی، در مغایرت قرار بگیرد. این تحقیق به موضوع استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، از لحاظ تطابق آن با حقوق بین‌الملل می‌پردازد و در نهایت می‌خواهیم که اولاً بدانیم آیا صرف ایجاد پایگاه‌های نظامی، در مغایرت با حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد و بعد، چنانچه پاسخ منفی است، با چه شرایطی می‌توان اقدام به استقرار پایگاه‌های نظامی نمود. در این مقدمه، هدف، سوال تحقیق، فرضیه تحقیق، پیشینه تحقیق و روش انجام تحقیق مورد بحث قرار می‌گیرد.

هدف:

هدف از انجام این پایان‌نامه، استخراج اصول و قواعد حاکم بر ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی، از منابع حقوق بین‌الملل، می‌باشد. ارزیابی موارد عملی استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی در کشورهای متعدد، به واسطه در دست داشتن اصول و قواعدی که حاکم بر این عملکرد باشند، از لحاظ حقوقی ممکن خواهد بود. بدین ترتیب کشورهای مدعی نقض حقوق بین‌الملل، در اثر استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، می‌توانند اصول و قواعد حقوقی را که این‌گونه استخراج می‌شوند را مورد استناد قرار دهند.

سوال تحقیق:

این تحقیق به دنبال پاسخ‌گویی به دو سوال اساسی است:

- ۱- آیا صرف ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی، ناقض اصول و قواعد بین‌المللی است؟
- ۲- چنانچه ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی، می‌تواند از لحاظ حقوق بین‌الملل، مجاز شمرده شود، اصول و قواعدی که حاکم بر موضوع‌اند، کدامند؟

فرضیه تحقیق:

این تحقیق، با این فرضیه آغاز می‌شود، که ایجاد ترتیبات امنیتی مشترک، از لحاظ حقوق بین‌الملل، مجاز است، ولی ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی، ممکن است، با برخی از اصول و قواعد موجود، در تناقض باشد.

پیشینه تحقیق:

در منابع انگلیسی، برخی از نویسندگان حقوقی، به ارزیابی مشروعیت ایجاد پایگاه‌های نظامی، پرداخته‌اند، لکن اینان به جنبه‌ای خاص از حقوق بین‌الملل، همانند اصل لزوم رعایت حاکمیت دولت‌ها، نظر داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، "تام شیکر"، در مقاله "خروج نیروهای جنگی از عراق، حضور بسیاری از نیروها در این کشور"^۱ به چنین بررسی پرداخته است.

همچنین برخی از آثار موجود، تنها به بررسی موردی^۲ ایجاد پایگاه‌ها پرداخته‌اند، به‌عنوان نمونه، بررسی مورد «دیگوگارسیا»، از سوی "هریس"^۳، در مقاله "حضور نظامی ایالات متحده در دیگوگارسیا: منافع ملی در مقابل حقوق بشر"^۴ به ارزیابی تطابق عملکرد ایالات متحده، در ایجاد پایگاه نظامی دیگوگارسیا، پرداخته است. همچنین، "واشاکمادزه" در مقاله "نیروهای خارجی در گرجستان: موقعیت، مشروعیت و دیدگاه‌ها"^۵ با انجام یک بررسی موردی، به بررسی حضور نظامی روسیه در گرجستان، در طی سالیان اخیر، پرداخته است.

با این حال، این آثار، از جامعیت کامل از حیث شمول انطباق عملکردها با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، برخوردار نمی‌باشند. در آثار فارسی، برخی از آثار تنها به تبیین اصول مرتبط همانند اصل لزوم حاکمیت دولت‌ها، پرداخته‌اند. همانند شریفی طراز کوهی در "قواعد آمره و نظم حقوقی بین‌المللی"، ولی به تطابق عملکرد ایجاد پایگاه‌های نظامی، با اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، پرداخته نشده است. برخی نیز موضوع پایگاه‌های نظامی خارجی را مورد بحث قرار داده‌اند، بدون این‌که بنیانی حقوقی در مباحث خود بیاورند. همانند، جان فاستر در مقاله "شبکه امپراطوری ایالات متحده و جنگ علیه تروریسم".

^۱ - "Pulling Out Combat Troops Would Still Leave Most Forces in Iraq"

^۲ - Case Study

^۳ - Joshua Harris

^۴ - "U.S. Military Presence in Diego Garcia: National Interests V.S. Human Rights"

^۵ - "Foreign Forces in Georgia: Status, Legitimacy and Prospects"

روش انجام تحقیق:

روش انجام تحقیق، روش کتابخانه‌های است. بدین ترتیب، عمده کار، استخراج اصول و قواعد حقوق بین‌الملل، از طریق بررسی اسناد حقوقی، حقوق بین‌الملل عرفی (رویه دولت‌ها که از الزام حقوقی برخوردارند)، و بررسی رویه قضایی مرتبط می‌باشد. سپس برخی موارد عملی استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، از حیث چگونگی ایجاد این پایگاه‌ها و تطابق این عملکردها با حقوق بین‌الملل، مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

بنابراین، بخش اول به اصول و قواعد مرتبطی می‌پردازد که در پرتو آن، می‌توان عملکرد دولت‌ها در استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی در قلمرو دولت‌های دیگر را مورد ارزیابی قرار داد. به بیان دیگر، سعی بر این بوده است که قواعد و مقرراتی که در حقوق بین‌الملل ممکن است در این رابطه کارایی داشته باشند را از منابع آن استخراج گردد. به عنوان نمونه این که قطعنامه تعریف تجاوز، چه دیدگاهی را در این باره ارائه نموده است. در فصل اول، از بخش اول، اصل لزوم رعایت حاکمیت دولت‌ها و بار حقوقی ناشی از این پایگاه‌ها بر حاکمیت دول محل استقرار مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. تطابق ایجاد پایگاه‌های نظامی با اصل عدم مداخله، در فصل دوم و با اصل آزادی قراردادی دولت‌ها، در فصل سوم مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

به طور عمومی برای شناخت قواعد حقوق بین‌الملل، از دو روش استقرایی^۱ و استنتاجی^۲ استفاده می‌شود، که برای یافتن قواعد عرفی، جستجو در رویه‌ها و عملکردها، و رسیدن به قاعده حقوقی عرفی، را روش استقرایی کشف قاعده حقوقی، می‌دانند^۳. روش تحقیق، در اینجا رسیدن به قواعد حاکم از طریق بررسی عملکردها و رویه‌ها و قواعد موجود در حقوق بین‌الملل، می‌باشد. بخش دوم پایان‌نامه را به ارزیابی حقوقی موارد عملی استقرار پایگاه‌های نظامی، اختصاص داده ایم. در بخش دوم، از میان صدها مورد استقرار پایگاه‌ها سه نمونه را در سه فصل مجزا مورد بررسی حقوقی قرار داده ایم و مشروعیت حقوقی این عملکردها، را با توجه به اصول و قواعد مرتبط در حقوق بین‌الملل، که در بخش اول، بیان شده‌اند، مورد بحث قرار داده ایم. فصل اول، مربوط به چنین ارزیابی حقوقی، در رابطه با پایگاه‌های خارجی در عراق کنونی، اختصاص یافته است. فصل دوم، مورد ارزیابی مشابه‌ای در رابطه با پایگاه‌های واقع در گرجستان، و فصل سوم، ارزیابی تطابق عملکرد ایالات متحده، در برقراری پایگاه نظامی خارجی در دیگو گارسیا را مدنظر دارد. در پایان، نیز نتیجه‌گیری از مجموعه بحث‌ها آورده ایم تا چکیده‌ای از حقوق حاکم بر چنین وضعیت‌هایی را بیان نماییم.

¹ - Inductive

² - Deductive

³ - "Methodology of International Law", Encyclopedia of Public International Law, P.327

بخش اول:

اصول و قواعد حقوق بین الملل حاکم بر ایجاد پایگاه‌های نظامی

مقدمه بخش اول:

در بخش اول از پایان نامه، اصول و قواعدی که در حقوق بین‌الملل شکل گرفته اند که مرتبط با موضوع استقرار پایگاه‌های نظامی می‌باشند، مورد اشاره و بررسی قرار گرفته اند. همچنین میزان تطابق عملکرد مذکور، یعنی ایجاد این پایگاه‌های نظامی با اصول و قواعد مرتبط، مورد بررسی قرار گرفته اند. بدین ترتیب در فصل اول از تحقیق، به بررسی اصل لزوم رعایت حاکمیت دولت‌ها و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل معاصر پرداخته و اینکه آیا ایجاد پایگاه نظامی خارجی از سوی یک دولت در خاک دولت دیگر، می‌تواند خدشه‌ای بر حاکمیت آن وارد سازد یا خیر مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل دوم از بخش اول، اصل عدم مداخله و قواعد مربوط به آن در حقوق بین‌الملل مورد بحث می‌باشند. اینکه استقرار پایگاه‌ها چگونه و تا چه حد می‌توانند با اصل عدم مداخله در تطابق یا تضاد باشند، موضوع فصل دوم را تشکیل می‌دهد.

فصل سوم از بخش دوم، اصل رضایت آزاد دولت‌ها در انعقاد معاهدات و قواعد مرتبط با آن را مورد نظر داشته و تاکید آن بر این است که میزان تطابق عملکرد دولت‌ها در استقرار پایگاه نظامی خارجی را که بر اثر انعقاد توافقاتی ممکن می‌گردند، با اصل رضایت دولت‌ها در انعقاد معاهدات بین‌المللی، را بررسی نماید.

فصل اول: اصل لزوم رعایت حاکمیت دولت ها

مقدمه فصل اول:

حاکمیت، حق انحصاری برای اجرای اقتدار (قانونی، قضایی و اجرایی) در یک محدوده جغرافیایی بر مردم خاصی تعریف شده است. دیدگاه ژان بدن (۱۵۳۰-۱۵۹۶) در رابطه با حاکمیت را عموماً به عنوان مدایی برای روشن ساختن مفهوم حاکمیت می‌دانند. از دیدگاه بدن، که در رساله شش کتاب جمهوریت، آن را ارائه نموده است، حاکمیت "به معنای قدرت انحصاری و مطلق و دائمی جمهوری"، تعریف شده است. که جدانشدنی از دولت-کشور است.^۱ "وینستون ناگان" در مقاله ای که تحت عنوان "ماهیت در حال تغییر حاکمیت تحت حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل"، نگاشته است، برای حاکمیت ۱۳ معنی آورده که در یکی از آن‌ها، حاکمیت به عنوان سمبلی از حق تعیین سرنوشت و استقلال ملی،^۲ تعریف شده است.^۳ این تعریف از حاکمیت، در تحقیق حاضر، دارای اهمیت خاصی می‌باشد. باید توجه داشت که حاکمیت مفهومی است که در حوزه حقوق عمومی و همچنین حقوق بین‌الملل مفهومی در حال تحول بوده است. بعقیده اوپنهایم، شاید هیچ مفهومی به اندازه حاکمیت بحث برانگیز نباشد.^۴

برخی از حقوق‌دانان برجسته، حاکمیت مدنظر در حقوق بین‌الملل را تعریف نموده اند. به عنوان نمونه ماکس هوبر، داور قضیه جزایر پالماس در ۱۹۲۶ نوشته است: "حاکمیت، در روابط دولت‌ها با یکدیگر اشاره به استقلال می‌کند. استقلال در رابطه با روابط با دنیای اطراف، حق اجرای عملکردهای یک دولت بدون دخالت دولت دیگر است"^۵ و نیز قاضی آوارز، در رای جداگان‌هاش در قضیه کورفو، نوشته است، منظور از حاکمیت، یکسری از حقوق و صلاحیت‌هایی است که یک دولت در قلمرو خود و نیز در رابطه با تمامی دولت‌ها دارد، بدون دخالت هیچ دولت دیگری.^۶ اکنون که اشاره ای به مفهوم حاکمیت داشتیم، باید به جنبه‌هایی از حاکمیت اشاره نماییم که مربوط به موضوع ایجاد پایگاه‌های نظامی می‌شود. اولین مسأله در طرح قضیه روشن شدن این

^۱ - Beaulac, Stephane, "The Social Power of Bodin's 'Sovereignty' and International Law", Melbourne Journal of International Law, available at:

<http://papyrus.bib.umontreal.ca/dspace/bitstream/1866/1353/1/01Beaulac.pdf>

^۲ - Sovereignty as a symbol of self-determined, national independence

^۳ - Winston P. Nagan, FRSA and Craig Hammer, "The Changing Character of Sovereignty In International Law and International Relations" taken from:

<http://www.law.ufl.edu/faculty/publications/pdf/sov.pdf>

^۴ - Oppenheim, Lassa, International Law, 66 (Sir Arnold D. McNair ed., 4th ed. 1928), referred from: Winston P. Nagan, *Op. Cit.*

^۵ - Beaulac, *Op. Cit.*

^۶ - Ibid.

مسئله است که آیا منظور از حاکمیتی^۱ که در حقوق بین‌الملل از آن یاد می‌شود، حاکمیت مردم بر سرنوشت خود می‌باشد و یا اینکه آیا حاکمیت به معنای اعمال اقتدار موثر توسط نیروی مقتدر در یک قلمروست و مردم اساساً در شکل‌گیری مفهوم حاکمیت نقش ندارند؟ در این نوشتار، ما عموماً به هر دو جنبه، می‌پردازیم، یعنی هم خدشه‌پذیری حاکمیت دولت در اثر ایجاد پایگاه نظامی، و نیز اینکه آیا حاکمیت مردمی، در اثر اعمال خودخواهانه یک حکومت، که بر اثر اجبار احتمالی، اجازه پایگاه خارجی را داده است، مخدوش می‌گردد یا خیر، مورد نظر بوده است.

از دیگر مسائلی که مطرح می‌شود اینست که آیا بر طبق حقوق بین‌الملل جایز است که حاکمیت یک دولت، به دولت دیگری انتقال داده شود یا عبارت دیگر، آیا حاکمیت قابل انتقال است یا خیر. در پاسخ باید گفت که مطابق حقوق بین‌الملل، اشغال یک سرزمین، باعث انتقال حاکمیت از دولت تحت اشغال، به دولت دیگر نمی‌شود. مقررات کنوانسیون‌های ژنو، تا جایی که به وضعیت غیرنظامیان در سرزمین‌های اشغالی مربوط می‌شود، عموماً بر پایه این اصل کلی بنا شده است. از لحاظ عرفی، این فرض از معاهده اوشترت (۱۷۱۳)، به بعد وارد حقوق بین‌الملل شده است که تجلی آن را در کتاب واتل، می‌توان یافت.^۲ این اصل در دادگاه‌های داخلی^۳ و نیز رویه قضایی بین‌المللی،^۴ مورد تأکید قرار گرفته است.

ایده کلی قرن شانزدهم و هفدهم در این باره برگرفته از حقوق خصوصی و ایده مالکیت بوده است که به حقوق عمومی منتقل شده است که تصرف یک سرزمین با نیروی نظامی، را با در اختیار گرفتن یک مال، تحت مالکیت فرد، همسان میدانسته است. در قرن هجدهم و نوزدهم این ایده نزول یافت. و در حوزه نظری حاکمیت به عنوان یک مسئله مجرد^۵، مطرح شد که متعلق به دولت می‌باشد و از دولت جداشدنی نیست.^۶ تحولات اروپا و آمریکای لاتین، اصل تعیین سرنوشت را به کمال اهمیت خود رساند که در مقابل اصل مالکیت در حقوق خصوصی قرار می‌گرفت.^۷ امروزه اصل تعیین سرنوشت یکی از اصول حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که در اسناد حقوقی بین‌المللی ذکر شده که منشور ملل متحد، و نیز میثاق حقوق مدنی و سیاسی از جمله مهمترین آنان بشمار می‌روند. برای دریافتن اینکه دیدگاه حقوق بین‌الملل در حال حاضر در این رابطه چیست، باید آنرا در منابع حقوق بین‌الملل یافت. در وهله اول، باید به ماده ۳۸ اساسنامه دیوان

^۱ - Sovereignty

^۲ - روسو، شارل، حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه سید علی هنجنی، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۵۰.

^۳ - دیوان کشور فرانسه، Magill C. Heritirs Monnel Gonnier، در رابطه با اشغال مارتینیک توسط انگلستان.

^۴ - دادگاه نورنبرگ، در تاریخ اول اکتبر ۱۹۴۶، در رابطه با جنایتکاران بزرگ جنگی، راجع به اشغال سرزمین‌ها توسط آلمان.

^۵ - Abstract

^۶ - Brownlie Ian, Principles of Public International Law, Clarendon Press Oxford, 1998, p.126

^۷ - Ibid.

بین‌المللی دادگستری، رجوع نمود، که از منابع حقوق بین‌الملل، معاهدات و کنوانسیونها، عرف، اصول کلی حقوقی را به‌عنوان منابع اصلی معرفی و رویه قضایی و دکترین حقوقی را به‌عنوان منابع فرعی معرفی می‌نماید. ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری اشعار می‌دارد:

"دیوان که مأموریت دارد، اختلافاتی که به آن رجوع می‌شود را طبق حقوق بین‌الملل، حل و فصل نماید موازین زیر را به اجرا خواهد گذاشت:

الف) عهدنامه‌های بین‌المللی، چه عام و چه خاص، که موجد قواعد حقوقی بوده و از سوی کشورهای طرف اختلاف صریحا به رسمیت شناخته شده‌اند.

ب) عرف بین‌المللی، به‌عنوان دلیل یک رویه عام که همچون قاعده حقوقی پذیرفته شده است.

ج) اصول کلی حقوقی که از طرف ملل متمدن به رسمیت شناخته شده‌اند

د) با رعایت مقررات ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته‌ترین صاحب نظران حقوق بین‌الملل کشورهای مختلف به منزله راه‌های فرعی تعیین قواعد حقوقی..."

درست است که در حال حاضر کنوانسیون بین‌المللی عامی در دست نیست تا بتوان موضوع خدشه دار شدن حاکمیت در اثر ایجاد پایگاه‌های نظامی را در آن چارچوب بررسی نمود، ولی این مانع از آن نمی‌شود که اصول و قواعد حقوق بین‌الملل را از منابع دیگر آن، بخصوص در چارچوب عرف بین‌المللی (رویه دولت‌ها که در اثر الزام حقوقی انجام می‌گیرد) و رویه قضایی بین‌المللی، دریافت. بدین ترتیب، چنانچه دولتی اعلام می‌دارد که با ایجاد پایگاه‌های نظامی مخالف است چرا که مغایر با حاکمیت آن است^۱، این خود می‌تواند از منابع حقوق بین‌الملل (در چارچوب عرف بین‌المللی) مورد بررسی قرار بگیرد، اگر چه برای اینکه رویه دولت‌ها بتوانیم عرف بین‌المللی تلقی نماییم شرایطی لازم است که عموماً در رای دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه حق پناهندگی منعکس است. بنابراین نتایجی که این بخش در پی آن است باید عمدتاً در چارچوب یافتن قواعد حقوق بین‌الملل در اسناد حقوقی بین‌المللی و عرف بین‌المللی لحاظ گردند. بدین ترتیب ما برای رویه دولت‌ها که به شکل رسمی در جامعه بین‌المللی پدیدار می‌شوند، از این جهت که می‌توانند موجد قاعده عرفی بین‌المللی (از منابع حقوق بین‌الملل) گردند، اهمیت خاصی قائل می‌گردیم. بدین ترتیب در مبحث اول، عموماً اسناد مهمی را ذکر می‌کنیم که مرتبط با موضوع حاکمیت، و بویژه مواردی که حاکمیت یک دولت در اثر ایجاد پایگاه نظامی ممکن است، به مخاطره

^۱ - بعنوان نمونه می‌توان به بیانیه رسمی ریاست جمهوری قزاقستان در مورد ایجاد پایگاه نظامی در قزاقستان اشاره داشت. و نیز، مخالفت الجزایر با احداث پایگاه نظامی خارجی در این کشور. ریاست جمهوری این کشور اظهار داشته است که طرح احداث پایگاه نظامی خارجی برای مبارزه با تروریسم مردود است و این کشور برای این منظور به نیروهای نظامی کشور خارجی، نیازمند نیست. رجوع کنید به: خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ مرداد ۱۳۸۶

بیافکند. بنابراین بررسی خدشه پذیری حاکمیت یک دولت، در اثر چنین عملکردی موضوع مبحث اول این فصل است. مبحث دوم، به بررسی چنین عملکرد و قواعدی، در حقوق بین الملل عرفی می پردازد، یعنی می خواهیم بدانیم آیا مطابق عرف بین المللی، چنین عملکردی، مجاز شمرده شده است یا خیر.

مبحث اول: بررسی خدشه پذیری حاکمیت دولت‌ها در اثر ایجاد پایگاه نظامی در اسناد حقوقی بین‌المللی

این مبحث عموماً به بررسی اسناد حقوقی بین‌المللی مرتبط می‌پردازد، و سعی در این است که بدانیم در این اسناد آیا ممنوعیت و شرایطی برای ایجاد پایگاه‌های نظامی وجود دارد یا خیر. بنابراین ابتدا منشور سازمان ملل متحد، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با برشمردن چند مورد از اسناد بین‌المللی، موضوع را در پرتو آن اسناد، بررسی خواهد شد.

گفتار اول: منشور و عملکرد سازمان ملل متحد

درست است که معاهده بین‌المللی، همچون کنوانسیون عام و همه جانبه در رابطه با ایجاد پایگاه‌های نظامی در دست نیست، تا بتوان مسأله ایجاد پایگاه‌های نظامی و خدشه‌پذیری حاکمیت را در پرتو آن مورد ارزیابی قرار داد، این موجب نمی‌شود که نتوانیم قواعد حقوق بین‌الملل را در این رابطه دریابیم. مهمترین سند بین‌المللی که چیزی فراتر از تنها یک اساسنامه سازمانی است،^۱ منشور ملل متحد می‌باشد. در مقدمه منشور آمده است: «ما مردم ملل متحد، مصمم هستیم...»، اشاره به «مردم» و «ملل» زمانی که با واژه «مصمم» همراه می‌گردد، از آنجا که واژه مصمم بیانگر اقتدار می‌باشد، نشانگر آنست که مردم جهان، منبع اصلی اقتدار، می‌باشند، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد، دولت‌های حاکم (مستقل)^۲ می‌باشند؛ این ایده که مشروعیت یک دولت و اقتدار مطلق آن تحت منشور ملل متحد، از مردم ناشی می‌گردد، بیانگر آنست که در جامعه بین‌المللی، اقتدار یک دولت در جامعه بین‌المللی، خود تا حدی، توسط مردم، محدود می‌گردد. حتی در منشور ملل متحد، اجرای اصول منشور ملل متحد، به مردم واگذار شده است^۳، که در چهار اصل اساسی سازمان ملل متحد جلوه گر شده است: امنیت و پیشگیری از جنگ، حمایت از حقوق بشر و حیثیت انسانی، احترام به توسعه اجتماعی بر طبق قانون و استانداردهای بالاتر زندگی و توسعه بر اساس برابر مطلق دولت‌های عضو. ماده (۷) ۲ منشور، به تعریف حاکمیت نزدیک می‌شود، با بیان اینکه

^۱ - Winston P. Nagan, FRSA and Craig Hammer, "The Changing Character of Sovereignty in International Law and International Relations" taken from:
<http://www.law.ufl.edu/faculty/publications/pdf/sov.pdf>. P.24

^۲ - Sovereign

^۳ - ibid

سازمان ملل متحد، مجاز به دخالت در اموری که اساسا در صلاحیت داخلی دولت‌ها قرار می‌گیرد، نمی‌باشد، که می‌تواند همراه با ماده ۲(۴) خوانده شود که اساسا تهدید یا استفاده از زور را برای حمله به تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولتی، منع می‌کند. یکی از محدودیت‌های حاکمیت در ماده ۲ اینست که دولت‌ها باید بر اساس تعهد به حسن نیت با احترام به ارزشهای منشور عمل کنند. بدین ترتیب یک دولت نمی‌تواند، به هر شکل که بخواهد به اجرای اقتدار خود، اقدام نماید. تعلق حاکمیت به مردم، نه تنها در منشور ملل متحد، بلکه در قطعنامه‌های ارکان این سازمان از جمله مجمع عمومی و شورای امنیت نیز جلوه‌گر شده است. به‌عنوان نمونه می‌توان به قطعنامه "حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، ۱۹۶۲" اشاره نمود. با در نظر گرفتن عنوان و محتوای قطعنامه حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی، اولین مسأله‌ای که روشن می‌گردد، اینست که مقدمات اصل حاکمیت یک دولت، در بهره‌برداری از سرزمین و قلمرو خود، پذیرفته شده است. یعنی یک دولت حق اعمال اقتدار بر قلمرو خود را دارد. با توجه به اهمیت فوق‌العاده این پایگاه‌ها در پیشبرد سیاستهای امنیتی برخی دولت‌ها^۱ و با در نظر گرفتن این که پایگاه‌های نظامی خارجی در موارد متعددی، در مناطقی استقرار یافته‌اند که سرشار از منابع طبیعی بوده‌اند، و بهمین خاطر پایگاه‌های نظامی استراتژیک فرض شده‌اند^۲، می‌توان به اهمیت تاکید مجمع عمومی ملل متحد، بر حاکمیت بر منابع طبیعی پی برد. بدین ترتیب، ایجاد پایگاه‌های نظامی خارجی، برای تسلط بر منابع طبیعی مجاز نیست، چرا که مخالف حاکمیت دولت میزبان می‌باشد. این قطعنامه همچنین رابطه میان حاکمیت بر قلمرو و حق تعیین سرنوشت ملت‌ها را مورد تاکید قرار می‌دهد، همچنان که در حقوق بین‌الملل حق مردم برای حاکمیت در قلمرو خود و بهره‌برداری از منابع را از جمله حقوق بشر دانسته‌اند.^۳

در رابطه با حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، باید دانست که حقوق بین‌الملل حاکمیت را به ملت‌ها واگذار کرده است و نه به عده‌ای از افراد خاص. بدین معنی که در حقوق بین‌الملل امروز، حاکمیت تنها می‌تواند در پرتو حاکمیت مشروع و مردمی مورد نظر باشد، چنانچه عملکرد سازمان ملل متحد نیز بیانگر همین نظر است.^۴

^۱ - رجوع کنید به: جانسون، چارلمز؛ ۷۳۷ پایگاه نظامی، یعنی یک امپراطوری جهانی"، ترجمه د. جلیلی، برگرفته از:

<http://farhangetowsee.com/54/54-02.htm>

^۲ - Report on International Conference against Military Bases, 2005, available at:

<http://www.ufl.edu/faculty/publications/pdf/sov.pdf>

^۳ - World Forum On Agrarian Reform, Agrarian Reform and Access to Natural Resources, A People's Demand, Valencia, Spain, December 8, 2004. Available at:

http://www.fmr.org/declaration_finaluk.doc

^۴ - برای نمونه باید به تلاشهای سازمان ملل متحد، در رابطه با برپایی حکومت‌های مشروع در سومالی اشاره نمود. مراجعه کنید به گزارش

دبیرکل تحت عنوان :